

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

Political - satire

سیاسی - طنز

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۲۳ جولای ۲۰۰۸

"رادوان کراچیچ" صربی و "کراچیچ های" افغانی

نمونه های "مورال دوگانه" و "منافقت" دول غربی و غربیان

از خصوصیات امروز یکی اینست که اخبار داغ روز با سرعت برق در سراسر عالم می پیچند، خصوصاً که "عجوبه روزگار" و "معجزه دوران ها" - یعنی کمپیوتر و انترنت - دنیا را از کسوت "دنیوی" آن برون رانده و مهر "دیهی کوچک" (۱) بر فرقه کوبیده. بهمین نهج و سیاق خبر گرفتاری "رادوان کراچیچ" Karadžić Radovan - رهبر خود خوانده صربیهای "بوسنیا" - در جهان پیچید. روز نامه مشهور و معتبر برلین بنام "برلینر تاگس شپیگل" Berliner Tagesspiegel در صدر صفحه اول امروز ۲۳ جولای ۲۰۰۸ خود چنین آورد:

« خبر توقیف "رادوان کراچیچ" صربی که از سالیان متمادی به خاطر جنایات جنگی مورد پیگرد جهان قرار داشت، با شور و شغف و رضایت تام دنیا بدرقه گردید. "برنار کوشنر"، وزیر خارجه فرانسه که کشورش همین اکنون ریاست "اتحادیه اروپائی" را به عهده دارد، درین مورد با هلهله کلمه "بالآخره بالآخره" و "هله به هله" را بر زبان راند. میانجی سابق اتازونی در جنگ بوسنیا "ریشارد هالبروک" گفت: « یکی از بدترین انسان های روی زمین "اسامه بن لادن اروپا" بالآخره دستگیر گردید. «...» بر همین سیاق تمام زمامداران جهان غرب از خبر گرفتاری "کراچیچ" با خشنودی و رضایت خاطر استقبال کردند. سوالی که درین ارتباط برای ما افغانان فوراً متبادر میگردد، اینست:

وقتی خبر دستگیر شدن "کراچیچ" با این آب و تاب و تا این درجه خشنودی مورد استقبال رهبران کشورهای پیشرفته و به اصطلاح "متمدن" جهان غرب قرار میگردد - چنانکه در گزارشهای اخبار جهان دیده میشود - باید از این رهبران منافع و به اصطلاح زیبای کابلی "دو پشته و دو رویه" غرب پرسید: چرا به سراغ صدها "میلوشویچ" و "کراچیچ" و "تادیچ" (۲) افغانی نمی روید، که همین لحظه به اجازه و بلکه زیر رژی خود شما، در پست های عمده دولتی افغانستان تکیه زده اند،؟؟؟؟ وقتی به خاطر "کراچیچ" دوازده سال تمام با بی صبری چشم براه ماندید، تا آن جنایتکار جنگی بدام بیفتند، چند دهسال باید انتظار کشید، تا دهها و صدها جنایتکار همقطار این سه "جنایتکار صربی" در افغانستان، دستگیر گردند؟؟؟؟ بلی؛ شما رهبران کشورهای پیشرفته غربی صدها میلوشویچ و تادیچ و کراچیچ افغانی را در آغوش گرم و مهر گستر خود گرفته و خود مانع محاکمه و مجازات ایشان میگرددید و تا شما زمام امور افغانستان را در قبضه خود دارید، امیدی نخواهد رفت که این جانیمان به پنجه قانون سپرده شوند!!!! اگر این طور نیست، چطور ممکن است که ملا برهان الدین ربانی و ملا سیاف و ملا محسنی و ملا دوستم و ملا محقق و ملا خلیلی و ملا اسماعیل و ملا عطا نور و ملا چطورری و ملا چکاری و برادران مسعود "نامحمود" و دلگی

مشر قسیم فهیم و یونس غیرقانونی و ملا علومی و ملا گلابزوی و دهها تا ملای "بی نماز" دیگر، که جرم و جنایات شان غیر قابل انکار است، زیر ریش تان دُنیک بزنند؟؟؟؟ چرا جنایتکاران اظهر من الشمس افغانی را زیر بال خود گرفته و آب و دانه فراوان در آشیانه شان گذاشته اید؟؟؟؟ اگر از خلق خدا و مردم جهان نمی شرمید، از "وجدان انسانی" خود اندک حیا کنید!!!!!!

اگر رهبران دول غربی را بنا بر "مشی امپریالیستی" شان معذور بداریم، چرا مطبوعات به اصطلاح "آزاد" و ژورنالستان و آزادی خواهان و عدالت پسندان و روشنفکران و مخالفان و منتقدان دولت ها و ... غربی که همه گویا "کسوت دموکراسی و آزادی" بر تن دارند، خاموش نشسته و ناظر بیطرف و بی غرض صحنه گردیده اند؟؟؟؟

این بود نمونه اول "منافقت دول غربی و غربیان"!!!!!!

برای شرح منافقت دوم اجازت بدهید که تمهیدی بچینم :

در برلین از چندین روز بدین سو ورق پاره ها پخش گردید بود که، بخاطر "پرویز کامبخش" به ساعت ۱۰ صبح ۲۳ جولای تجمعی در مرکز شهر برپا میگردد. من هم بایسکل غراضه خود را گرفته و هی میدان و طی میدان گفته، خود را دقیقاً به ساعت ۱۰ صبح به محل موعود رسانیدم. پیش از من فقط یک نفر افغان دیگر که نماینده "مرکز فرهنگی افغانان در برلین" میباشد، رسیده بود. من گویا دومین فرد افغان بودم، که بدین مناسبت آمده بودم.

سازمانی به نام Gesellschaft für bedrohte Völker (انجمن دفاع از ملل یا اقوام مورد تهدید) با مخفف GfbV و با آدرس اینترنتی www.gfbv.de این تجمع را فراخوانده بود. در این تجمع که جمعاً یک ساعت را در بر گرفته و دقیقاً پیش روی عمارت سفارت اتازونی برپا گردید، چند شاخصه به چشم میخورد:

- معذور بودن اشتراک کنندگان

تمام علمبرداران و پروپاگاندچی ها و فعالان و اشتراک کنندگان این تجمع - اعم از المانها و افغانهای مقیم برلین - به مشکل از سرحد ۳۰ نفر تجاوز میکردند؛ اما :

اما در زمانی که افغانستان زیر چکمه های اردوی سرخ قرار داشت، هر فراخوان و دعوت این انجمن هزاران نفر را به جاده های درجه دوم و درجه سوم برلین سرازیر می ساخت و تعداد مظاهرة چپان بعضاً از سرحد "ده هزار" هم تجاوز می کرد. این بار این تجمع در کنار "دروازه براندنبورگ" Brandenburger Tor که درست در مقابل سفارت اضلاع متحده امریکا و در قلب تپنده و بلکه "تپان" برلین قرار دارد، جمعاً ۳۰ نفر را هم فراهم آورده نتوانسته است. البته کمی. تعداد اشتراک کنندگان نه بخاطر اعلامیه ایشان بوده، که به دفاع از جان "یک نفر" افغان صادر گردیده بود. چون با روحیه ای که همین حالا در مردم غرب می بینم، اگر در عوض این فراخوان، مردم را برضد "حضور قوای اشغالگر ناتو" در افغانستان دعوت میکردند، همین "سی نفر" هم حاضر نمیگردیدند!!!!!!

غربیان قوای اشغالگر ناتو را ناجی و ضامن آزادی و تمامیت ارضی افغانستان میدانند. ایشان حتی با مباحثات تذکر میدهند، که قوای ناتو به کمک مردم افغانستان شتافته و در اعمار مجدد خانه ویران ایشان سهم میگیرند. این درست به همان شعار به اصطلاح "انترناسیونالیستی" شوروی آن زمان شباهت دارد، که قوای اشغالگر سرخ را بحیث ناجی و مدافع. منافع. افغانستان در مقابل مداخلات امپریالیستی قلمداد میکردند.

- شعار اجتماع کنندگان

شعار اجتماع کنندگان بر خلاف نام و شهرت این انجمن، "مهر فردی" را خورده و در حول و حوش آزادی "پرویز کام بخش" - همان ژورنالست مظلوم افغان که دقیقاً شش ماه پیش به اتهام "توهین به دین اسلام" محکوم به مرگ گردیده است -، می چرخد.

من با یکی دو نفر از فعالان این انجمن گفت و شنودی کردم که چرا این مؤسسه برخلاف شهرت و نصب العین همیشگی خود، گام برداشته است؟؟؟ بعوض اینکه باید برضد بمباردمان بی امان ناتو و قتل دهها هزار مردم بی گناه و بی غرض ملکی افغانستان - که واقعاً حیثیت نابودی مردم یک منطقه را دارد و این درست در شیمای این انجمن می گنجد - وارد میدان گردد، می آید و بدفاع از "یک فرد" قد علم میکند. البته دفاع از یک فرد محکوم به مرگ در حد خودش کاملاً بجاست، ولی وظیفه عمده و اصلی این انجمن دفاع از "ملل و اقوام تحت تهدید" است، نه دفاع از یک "فرد"!!!!!! از ایشان پرسیدم که مگر از بمباردمان کور و کر ناتو در جنوب و شرق افغانستان بی خبرید، که طی آن همه روزه دهها فرد ملکی به شهادت میرسند؟؟؟ گفتم وظیفه شما بحیث یک سازمان عدالتخواه و آزادی پسند غربی این بود، که امروز

در مقابل سفارت اضلاع متحده امریکا، لاقبل برضد بمباردمان کورکورانه ناتو شعار میدادید، اگر جرأت این را نداشتید که "قوای خارجی" را در افغانستان "اشغالگر" بنامید!!!!!! به همین نهج سؤالات دیگر هم از ایشان کردم، که به هیچ کدام جواب درست، آدم دستور و درخور یک سازمان "عدالتجوی" جهان به اصطلاح آزاد، ندادند!!!!!! (۳)

هر دو نمونه را - که در واقع "مشت نمونه خروار است" - تمسک گرفته میگویم که :
جهان غرب از معیار دوگانه و به اصطلاح قدیم و مروج ما، از "منافقت" کار میگیرد و به گفته کابلیان "کر. نفع و نقص" است. در جایی که منافعش ایجاب نماید همه چیز را نادیده و ناشنیده می انگارد. اما وقتی منافعش در خطر افتد، به کوچکترین گناه و حتی به یک "اشارت گناه" آرگاه و بارگاه کسی را بر زمین میزند؛ چنانکه در حد "صدام حسین تکریتی" و "محمد رضاء پهلوی" و که و که و که مشاهده کردیم!!!!!!

همین غربیان و دول غربی، در زمانی که قطعات اردوی سرخ افغانستان را اشغال کرده بودند، از حنجره مطبوعات سمعی و بصری و برقی خود، هر روز صداها اعلان و تبلیغ بر ضد شوروی ها میکردند. در آن زمان جنگ و جهاد ما را "جنگ آزادی بخش" و "مجاهدان و جنگ آوران افغان" را "آزادیخواهان و مبارزان راه آزادی" میخواندند و خاک پای هر کدامشان را سرمه چشمان انگوری و به گفته آقای زلمی آرا "چشمان هیلی" خود میکردند!!!!!! اما حالا که خود به جای "قشون سرخ شوروی"، افغانستان را در اشغال نظامی خویش درآورده اند، جنگ خود را "مبارزه با تروریسم" قلمداد کرده و هر افغانی که برضد ایشان و در مسیر آزادی وطن خویش قد علم نماید، تابه "تروریست" بر فرقهش کوبیده میشود!!!!!!

هیئات و صداها دریغ و هزاران افسوس که :

همان آزادی خواهان و عدالت پسندان و دموکراتها و ... ممالک غربی امروز حتی کوچکترین اشارتی هم نمی کنند، که قوای ناتو وطن ما را "خر پنجه" نظامی انداخته و چه جنایاتی نیست که در حق قصبات و قراء و روستاها و اهالی ملکی جنوب و شرق وطن عزیز ما روا نمی دارند!!!!!!

توضیحات :

۱ - کلمه دری "ده" در معنای "قریه و روستا" در زبان دری در سه صورت آمده؛ یکی همان "ده" ، دوم به صورت "دیّه" (با "های ملفوظ" مسکون) و سومی "دیّه" که مختوم است با "های غیرملفوظ". چنان که میدانیم، ترتیب معامله با "های ملفوظ" بمانند هر حرف "صامت" دیگر است. یعنی که "های ملفوظ" با حرف مابعد خود می چسبند؛ مثلاً "ته - تهی" ، "ته - تهدیگی" ، "ته - تهداب" ، "ابله - ابلهی" ، "توجه - بی توجهی" ، "پادشاه - پادشاهی" ، "کوتاه - کوتاه نظر" ، "سپاه - سپاهی" ، "کجکلاه - کجکلاهی" ، "آگاه - آگاهانه" ، "شه - شهنامه" ، "سپه - سپهسالار" ، "سیاه - سیاهسر" ، "سبه - سیه" - سیهجرده" (گندمگون) و از همین سبب در صدر صفحه "دیهی کوچک" بکار رفت و "دیّه" با "یای وحدت" چسبید؛ یعنی "یک ده کوچک"

۲- خواننده عزیز شاید بپرسد که چطور میتوان "اسمای خاص" - مثل "سلوبودان میلوشوویچ" Slobodán Milošević و "رادوان کراچیچ" Radovan Karadžić و "رادکو ملادیچ" Ratko Mladić ؛ همان چهره های زشت و کریه سه گانه ای که در قتل عام مسلمانان "بوسنیا - هرزگووینا" دست مستقیم داشتند - را "عام" ساخت و جنبه "عام" برای شان بخشید؟؟؟؟

در پاسخ به این سؤال، گوشه ای از بخش سوم مقاله مبسوط خود را که معنون بود به "درد در کجا و باد و

بخارش در کجا؟" عیناً نقل مینمایم : « خاص و عام :

گرایش معمولاً از "خاص" به سوی "عام" است. آنچه در اول ساخته و پرداخته یک یا چند نفر است، عام میشود و جهانشمول میگردد. آن کسی که دستگاهی ساخت و نامش را "کمپیوتر" گذاشت، در ابتداء صرف خود او میدانست، که ماشینش "کمپیوتر" نام دارد. امروز لغت "کمپیوتر" در دهن خاص و عام جهان افتاده. کسانی که "ذره" را شگافتند و انرژی عظیمی از آن بیرون آوردند، در اول فقط ایشان میدانستند که در دل "ذره"، جهانی و کهکشانی نهفته. امروز مگر استفاده از انرژی ذروی چنان عام و "ملا خور" گشته، که حتی رژیم "آخوندی - کربلانی" ایران هم خواب تولید اسلحه ذروی را می بیند. علم و دانش و تکنالوجی و "های تک" Hightech نیز در اول خاصه خاصان میباشند، پیش از آنکه در دسترس "عام" قرار گیرد.

در عالم لغات و کلمات اگر نظری بیفکنیم، بسا از آنها در ابتداء خاص بوده و بمرور زمان عام گردیده اند. لغتی را که نویسنده ای، شاعری، مترجمی و یا لغتسازى وضع میکند، در ابتداء وجهه و جنبه خاص دارد و بعد، عام میشود و در دهن خلق الله می افتد. رسم بر آنست که بعضاً حتی اسمای خاص و علم را نیز جمع می بندند، یعنی که "خاص" را حالت "عام" می دهند. چه چیزی در ذهن متبادر می گردد، وقتی میگوئیم: «در دامان این خاک "فرخی ها" و "عنصری ها" و "جامی ها"ی بسیاری زاده شده اند.»؟ یا «"اینشتین" کسی بود که صدها "نیوتن" را درس میداد.» یا «در زمان ما هزاران "جالینوس" در کنج هر مطب و شفاخانه خفته اند.»؟ چه چیزی را می خواهیم بیان کنیم، وقتی می گوئیم: «"فرداهای درخشان" در انتظار سرزمین بلاکش ماست.» یا «تاریخ "گذشته های دور" را بیاد می دهد.» یا «در تاریخ "چنگیزها" و "هیتلر ها" و "پُل پُت ها" و "صدام ها" بسیار بوده اند.»؟؟؟؟ و اگر از آثار منظوم بزرگان متقدم خود مثالهایی برگزینیم:

تو نیکی میکن و در **دجله** انداز که ایزد در بیابانت دهد باز (سعدی)
دل سیر نمیشود به **جیحون** ها ما را به سقا چه میفریبی تو (شمس)

به سوی آسمان جان خرامان گشته آن مستان
همه ره جوی از باده مثال **دجله** ها جاری (شمس)

یوسفان چنگال در دلوش زده رسته از چاه و شه مصری شده (مثنوی)

گر بپوشی تو سلاح **رُستمان** رفت جاننت گر نباشی مرد آن (مثنوی)

یوسفان از مکر اخوان در چهند
کز حسد یوسف به گرگان میدهند (مثنوی)

عقل با حس زین طلسمات دو رنگ
چون محمد با **ابوجـهلان** به جنگ (مثنوی)

گر **بوالحکمان** کنند بیداد صدر دو **محمد** حرم باد (خاقانی)
شده آبیگران فسرده ز یخ چنان کوس روئین **اسکندر**ان (منوچهری)

در تمام مثالهای بالا اسمای "خاص" در معنای "عام" بکار رفته اند. «فرخی و عنصری و جامی و نیوتن و جالینوس و چنگیز و هیتلر و پُل پُت و صدام و دجله و جیحون و یوسف و رستم و ابوجهل و ابوالحکم و محمد و اسکندر» که همه اسمای خاصند، در حالات مذکور شکل عام را به خود گرفته اند. در مثال های فوق کلمات "فردا" و "گذشته" نیز که کلماتی اند مربوط به یک برهه خاص زمانی - چون "فردا" و "گذشته" معمولاً یکی بیش نیست - از حالت "خاص" اصلی برآمده و شکل "عام" را پذیرفته اند. «(ختم نقل قول)

خواننده ارجمندی که معلومات مفصل تر بخواهد، لطف کرده، اصل مقاله را زیر شماره ۱۹ در آرشیف بنده در پورتال "افغان جرمن آنلاین" مطالعه فرماید و یا که هر سه بخش را زیر شماره های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ از نظر بگذراند.

به علاقه مندان نوشته هایم مژده میدهم، که بزودی زود تمام این مقالات و مقالات بسیار دیگر نیز، در پورتال ملی "افغانستان. آزاد - آزاد افغانستان" اشاعه خواهند یافت!!!!!!

۳ - باید تذکر بدهم که در پهلوی چند پلاکارد و شعار کلان این انجمن، دو پلاکارد کوچک از طرف یکی از آزادیخواهان افغان به نظر میخورد که بمباردمان ناتو را در افغانستان، "عمل ترورستی" خوانده و به صراحت میخواست که قوای اشغالگر "از قتل کودکان افغان" دست بردارد!!!!!! این شعارها مگر از طرف خود "انجمن دفاع از ملل تحت تهدید" ترتیب نگردیده بود!!!!!!